

واکاوی پروسه الحاق جمهوری صربستان به اتحادیه اروپا؛

با تاکید بر الگوی رفتاری اقتصادی*

محمد مهدی فرهمند^۱، علی آدمی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۷

چکیده: منطقه بالکان غربی به دلیل موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک، از ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی، برای بازیگران مهم و ذی نفوذ حائز اهمیتی خاص بوده، و همواره مطرح نظر همه قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی و محل تقابل منافع قدرت‌ها بوده است. جمهوری صربستان به عنوان مهم‌ترین و بزرگ‌ترین جمهوری بالکان غربی، در راستای نیل به هدف استراتژیک خود در پیوستن به اتحادیه اروپا، به‌رغم تضاد منافع بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی، در مسیر اصلاح زیرساخت‌های اقتصادی و انطباق بیشتر با استانداردهای تعریف شده از سوی اتحادیه اروپا جهت الحاق به این اتحادیه گام برداشته است. پژوهش حاضر درصدد واکاوی و تبیین پروسه الحاق جمهوری صربستان به اتحادیه اروپا، و بررسی و ارزیابی الگوی رفتاری اقتصادی حاکم بر سیاست خارجی آن در روند همگرایی اروپایی است. بر این اساس، به این پرسش پرداخته می‌شود که فرایند الحاق صربستان به اتحادیه اروپا و ساختارهای یورو آتلانتیک چگونه است و شرایط اقتصادی و الگوی رفتاری اقتصادی حاکم بر سیاست خارجی صربستان چه تاثیری بر این روند دارد؟ این پژوهش، در پاسخ به پرسش اصلی، در پی آزمون این فرضیه است که پس از فروپاشی یوگسلاوی، جمهوری صربستان به عنوان مهم‌ترین میراث‌دار بحران‌ها و ساختارهای ضعیف اقتصادی به جای مانده از آن، در سالیان اخیر تلاش نموده با بهره‌گیری از الگوی رفتاری توسعه‌محور مبتنی بر روند ثبات و همکاری (SAA)، در جهت تطبیق و هماهنگ‌سازی خود با استانداردهای تعریف شده از سوی اتحادیه اروپا گام بردارد. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، ترکیبی از روش‌های توصیفی - تبیینی و مطالعات تاریخی است.

واژگان اصلی: همگرایی اروپایی، جمهوری صربستان، پروسه الحاق، اتحادیه اروپا، پیمان ثبات و همکاری.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری محمد مهدی فرهمند با عنوان «الگوهای رفتاری سیاست خارجی جمهوری صربستان و تأثیر آن در پیوستن به اتحادیه اروپا» است.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

mohamadfrh@gmail.com

۲. دانشیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مقدمه

شناخت الگوهای رفتاری سیاست خارجی جمهوری صربستان و رویکردها، تاکتیک‌ها و ابزارهای به کار رفته در طول تاریخ، اهمیتی خاص دارد و بررسی و دقت نظر در علل، ریشه‌ها و الگوهای تکرارپذیر، می‌تواند در فهم دقیق‌تر سیاست‌های امروز این کشور راهگشا باشد. در واقع، هدف اصلی این پژوهش، طراحی مدلی تئوریک و عملی به منظور تجزیه و تحلیل دقیق از روند تصمیم‌گیری پیرامون زمینه‌ها و اولویت‌های اقتصادی حاکم بر سیاست خارجی صربستان، کاربرد عملی آن‌ها، و همچنین فهم ضریب و چگونگی تأثیر این روندهای رفتاری در پروسه الحاق صربستان به اتحادیه اروپا با تمرکز بر نظرات و آثار محققان و نخبگان بومی و محلی خواهد بود؛ تا بدین صورت علاوه بر موضوع بدیع مورد نظر، فرایند تولید محتوا و خروجی پژوهش نیز دارای نوآوری باشد و بتواند در مراکز علمی و اجرایی کشور عزیزمان، مورد استفاده و بهره‌برداری قرار گیرد. شناخت الگوها و روندهای رفتاری اقتصادی حاکم بر سیاست خارجی صربستان، به عنوان کشوری بسیار مهم و راهبردی در جنوب شرق اروپا و منطقه بالکان، و همچنین کشوری مهم در تعامل با جمهوری اسلامی ایران، می‌تواند الگوی کاربردی مفیدی در مراکز علمی و پژوهشی میهن عزیزمان، و نیز به عنوان نقشه راهی ارزشمند برای کارگزاران سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به ویژه در پایه‌ریزی و گسترش مناسبات اقتصادی با این کشور واقع گردد.

امروزه روند الحاق جمهوری صربستان به اتحادیه اروپا دارای دو فرآیند موازی است. از یک سو، اجرای تعهداتی که ذیل «پیمان ثبات و همکاری»^۱ در نظر گرفته شده، و از دیگر سوی، مذاکرات عضویت در اتحادیه اروپا، که می‌بایستی شرایط لازم برای تحقق تمامی تعهدات سیاسی، اقتصادی و قانونی ناشی از عضویت در اتحادیه اروپا را فراهم نماید. هنگامی که صربستان در نوامبر سال ۲۰۰۰ میلادی به روند ثبات و همکاری ملحق شد، این اصل اولیه آن را پذیرفت که مسیر الحاق به اتحادیه اروپا، به پیشرفت کشور در برآورده ساختن معیارهای تعیین شده در کپنهاگ و اجرای پیمان ثبات و همکاری، با تأکید خاص بر اهمیت همکاری منطقه‌ای و حُسن همجواری در بین کشورهای بالکان غربی، بستگی دارد. بنابراین، تأکید اصلی در این روند بر پیمان ثبات و همکاری گذاشته شده بود. این پیمان و توافق‌نامه بعدی در حیطه «تجارت و موضوعات مربوطه»، در تاریخ ۲۹ آوریل ۲۰۰۸ به امضاء رسید و از اول ژانویه ۲۰۱۴، تجارت میان اتحادیه اروپا و صربستان از تمامی تعرفه‌ها به طور

¹ Stabilisation and Association Agreement (SAA)

کامل معاف گردید؛ به غیر از تجارت محصولات کشاورزی که برای دو طرف حساسیت و اهمیت فوق‌العاده‌ای داشته است (Mišćević, 2015, 15). با انعقاد پیمان ثبات و همکاری، صربستان پذیرفت که به تدریج قوانین خود را با قوانین اتحادیه اروپا همراه و هم‌تراز نماید و بی‌وقفه آن را به اجراء گذارد، اگرچه در واقع این روند را در سال ۲۰۰۴ آغاز کرده بود. به منظور انجام این تعهد، صربستان در اکتبر سال ۲۰۰۸، «برنامه ملی همگرایی جمهوری صربستان با اتحادیه اروپا» را تدوین نمود که طرح فعالیت‌های قانونی‌ای که می‌بایستی تا پایان ۲۰۱۲ به اجراء درآید را شرح می‌داد. در فوریه ۲۰۱۳، نخستین برنامه ملی برای الحاق به اتحادیه اروپا برای دوره ۲۰۱۶-۲۰۱۳ نیز تصویب گردید. تدوین نسخه اصلاح شده برنامه اخیر، نمایان‌گر این طرح تا سال ۲۰۱۸ است و با قوانین و رویه اتحادیه اروپا هماهنگی کامل خواهد داشت. علاوه بر اقدامات قانونی، برنامه مذکور پیش‌نیازهای نهادی و مالی لازم برای پیاده‌سازی آن‌ها را تشریح می‌نماید. اجرای پیمان ثبات و همکاری، صرفاً به معنای کاهش تعرفه‌ها بر کالاهای اتحادیه اروپا نبود؛ بلکه آزمون اعتبار و جدیت صربستان در برآورده کردن واقعی تعهداتی است که ذیل تعاملات با اتحادیه اروپا پذیرفته شده است. در نتیجه، اجرای پیمان ثبات و همکاری، که آزمونی اولیه برای فهم میزان جدیت یک کشور نامزد برای مذاکرات عضویت است، در سراسر روند مذاکرات مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. تصمیم به آغاز مذاکرات عضویت، در تاریخ ۲۸ ژوئن ۲۰۱۳ توسط شورای اتحادیه اروپا اتخاذ گردید؛ اولین کنفرانس بین دولتی در ۲۱ ژانویه ۲۰۱۴ برگزار شد، و روند یک سال و نیمه بازنگری تحلیلی قوانین در ۳۵ فصل (روند جداسازی، از سپتامبر ۲۰۱۳ تا مارس ۲۰۱۴) و گشایش احتمالی اولین فصول مذاکره، عناصر اصلی روند دوم هستند (Mišćević, 2015: 15-16).

منطق اصلی روند مذاکرات این است که عضویت در اتحادیه اروپا، هدف استراتژیک صربستان و همچنین، ابزار مدرن‌سازی سیستم قانونی، اقتصادی و نهادی است. در نتیجه، در بیانیه افتتاحیه اولین کنفرانس بین دولتی، تاکید شد که "جمهوری صربستان الحاق به اتحادیه اروپا را مکانیزمی برای تغییر و تنظیم با پیش‌شرط‌های تعیین شده از سوی تمامی اعضای اتحادیه اروپا می‌داند و آن را راهی برای بهبود کارایی کلی و رقابت‌پذیری اتحادیه اروپا و همچنین، شهرت خود در اتحادیه اروپا و کل جهان تلقی می‌کند. روند الحاق، اصلاحات سیاسی و اقتصادی در صربستان را به شدت تقویت می‌کند."^۱

^۱ بیانیه افتتاحیه کنفرانس بین‌دولتی الحاق جمهوری صربستان به اتحادیه اروپا

با این وجود، مذاکرات الحاق به اتحادیه اروپا کاملاً با مذاکرات استاندارد صحنه بین‌المللی تفاوت دارد. برای تبدیل شدن به یک عضو اتحادیه اروپا، یک کشور باید میراث اجتماعی، یعنی قوانین اولیه و ثانویه اتحادیه اروپا را بپذیرد. در نتیجه، محور مذاکرات، توافق در مورد شرایط و بازه‌های زمانی برای پذیرش یک کشور کانیدیدا و اجرای قانون و تصویب دوره‌های بالقوه انتقالی است که باید محدود، دامنه و مدت زمان آن محدود باشد. در خلال مذاکرات عضویت در اتحادیه اروپا، یک کشور نامزد نمی‌تواند از پذیرش هیچ‌یک از استانداردهای اصلی قوانین اتحادیه اروپا امتناع ورزد، اما با ارائه استدلال‌های مناسب می‌تواند شروع اجرای آن را به تعویق بیندازد. هدف این است که اطمینان حاصل شود که صربستان کاملاً آماده پذیرش تعهدات ناشی از عضویت در اتحادیه اروپا است تا بتواند در آغاز دوره بعدی بودجه اتحادیه، به یک کشور عضو اتحادیه اروپا تبدیل شود. در مورد صربستان، توسعه کشاورزی و روستایی، حفاظت از محیط زیست و تغییرات آب‌وهوایی، انرژی، سیاست منسجم، صنعت و حمل و نقل، به عنوان زمینه‌های مهم به ویژه از لحاظ هماهنگی آن‌ها با قوانین اتحادیه اروپا، استانداردهای بین‌المللی و اجرای توافقات حاصله نام برده شده‌اند (Mišćević, 2015: 16). موضوع مذاکرات الحاق و پیشرفت صربستان در این روند، توسط مجلس ملی به طور منظم تحت نظارت بوده است. این نظارت، مطابق با «قطعنامه مرتبط با نقش مجلس ملی و اصول آن در مذاکرات مرتبط با الحاق جمهوری صربستان در اتحادیه اروپا» که در ۲۰۱۳ تصویب شد، صورت می‌گیرد (<http://parlament.gov.rs.279.html>). سازمان‌های جامعه مدنی، که برای نظارت بر مذاکرات در کنوانسیون ملی اتحادیه اروپا گردهم می‌آیند، نقش ویژه‌ای در مذاکرات دارند. در حقیقت، دخالت مجلس ملی و جامعه مدنی، عامل مهمی از فرآیند مذاکرات را تشکیل می‌دهد، زیرا به این ترتیب، این جامعه است، نه دولت، که مالکیت آن را برعهده می‌گیرد و در نتیجه، مشروعیت آن قوی‌تر است. این‌ها کم و بیش عناصر استاندارد مذاکرات الحاق یک کشور نامزد با اتحادیه اروپا هستند و در واقع، کلیه کشورهایی که مذاکره در خصوص عضویت خود در اتحادیه را انجام داده‌اند، در برخی مقاطع، با این عناصر روند مواجه شده‌اند. به یقین، آن‌ها به یک شکل و در یک محدوده، با این عوامل مواجه نشده‌اند. این امر، به مکان و نقش جامعه مدنی در مذاکرات و همچنین، شناخت هدف نهایی از مذاکرات بستگی دارد. با این حال، مذاکرات صربستان عناصر جدید زیادی را دنبال می‌نماید که ما در اصلی‌ترین آن‌ها و حتی در ابتدای روند با آن‌ها روبرو هستیم. ما سعی خواهیم کرد که آن‌ها را بر حسب تعهدات ذاتی که در آن‌ها وجود دارد، ساختاربندی نمائیم.

۱. چارچوب نظری

موضوع نظریه‌پردازی در زمینه همگرایی اروپایی با نوشته‌های «دیوید میترانی»^۱ و عقاید کارکردگرایان در دهه پنجاه میلادی قوت گرفت. از سال ۱۹۵۱ که تاسیس جامعه زغال و فولاد اروپایی مطرح شد تا به امروز، تحولات عدیده‌ای در روابط همگرایانه کشورهای اروپایی رخ داده است که تحولات مذکور سرمنشأ ظهور نظریات جدید در رشته‌ها و حوزه‌های تخصصی و متنوع علوم اجتماعی به ویژه علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، جامعه‌شناسی سیاسی، نظریه سازمان‌ها، حقوق، مدیریت و غیره بوده است و امروزه همگرایی اروپایی خود به عنوان یک محور اصلی در مطالعات اروپا تلقی می‌شود (بزرگمهری، ۱۳۸۵: ۸۸). همزمان با رشد و گسترش منطقه‌گرایی در عرصه عملی، در عرصه نظری نیز نظریه‌پردازان مختلفی برای تبیین تحولات در این حوزه تلاش کرده‌اند. در نظریه‌های مختلف از دیدگاه‌های گوناگون، همگرایی منطقه‌ای توصیف و تحلیل شده است و در هر کدام، برخی پیش‌شرط‌ها و سازوکارها در موفقیت روند منطقه‌گرایی بیان شده است. جمع‌بندی بسیاری از نظریه‌ها نشان می‌دهد که همگرایی منطقه‌ای، پدیده‌ای کثیرالاضلاع است که برای تبیین آن، باید از نظریه‌های همساز استفاده کرد و فقط با یک نظریه یا تأکید بر یک دلیل، نمی‌توان به تبیین آن پرداخت. نظریه‌های نوکارکردگرایی^۲ و صلح دموکراتیک، از مهم‌ترین نظریه‌ها در این زمینه هستند.

منظور از همگرایی، فرایندی است که در آن دولت‌های ملی برای حفظ منافع جمعی به همکاری گسترده با یکدیگر در زمینه‌های تجاری، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی می‌پردازند و به سوی وحدت گام برمی‌دارند. طبق نظریه دیوید میترانی، پیشگام نظریه کارکردگرایی در همگرایی منطقه‌ای، دولت‌ها با مشاهده نتایج موفقیت‌آمیز همکاری در امور فنی-اقتصادی، به گسترش همکاری در حوزه سیاسی نیز گرایش می‌یابند. وی "نظریه انشعاب"^۳ و "نظریه تدریجی"^۴ را مطرح می‌کند که بر اساس آن، همکاری در یک زمینه فنی، به تدریج به همکاری در بخش‌های دیگر می‌انجامد. یعنی همکاری در یک بخش، که در نتیجه نیاز پدید آمده و عملاً موفق بوده است، خود نیاز به همکاری را در بخش‌های دیگر پدید می‌آورد. نیاز کشورها به همکاری، آن‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد و باعث می‌شود که فعالیت و تجربه همکاری در زمینه‌های اقتصادی، بنیانی را برای همکاری و توافق‌های سیاسی فراهم کند. به اعتقاد

1 David Mitrany

2 Neofunctionalism

3 Ramification Theory

4 Gradualism

وی، ادغام‌های اقتصادی یا فنی نمی‌توانند به تنهایی به صلح منجر شوند، ولی بنیان‌هایی را ایجاد می‌کنند که موجب شکل‌گیری موافقت‌نامه‌های سیاسی می‌شود که زمینه‌ساز صلح می‌گردد. به اعتقاد کارکردگرایان، فرایند همگرایی ممکن است از سطوح بین‌دولتی^۱ به فوق‌ملی^۲ آغاز شود. دولت‌هایی که نمی‌توانند به تنهایی از عهده مشکلات برآیند، یا گروه‌های متفجع که در میان مرزهای ملی کشورها قرار دارند، ممکن است سازمان‌های کارکردی ایجاد کنند. در هر دو، بنیان رشد سازمان‌ها، خودمختاری فنی است، یعنی اینکه سازمان‌های کارکردی بر اساس کارکرد و موفقیت شکل می‌گیرند. همچنین، پیچیدگی روزافزون زندگی بشر، موجب کاهش اهمیت کارشناسان سیاسی و سیاستمداران شده و در عوض، کفه را به نفع کارشناسان فنی سنگین کرده است. از سوی دیگر، سودمند بودن همکاری در یک زمینه فنی، موجب گسترش همکاری‌ها در زمینه‌های سیاسی نیز می‌گردد. برای مثال، همکاری در زمینه نفت می‌تواند به همکاری در زمینه پتروشیمی، حفظ محیط زیست، حمل و نقل دریایی و در نهایت، همکاری‌های سیاسی منجر شود. به اعتقاد میترا، تقسیم جهان بین دولت‌هایی که منافع متضاد دارند، فقط به بحران و جنگ می‌انجامد. به اعتقاد وی، ایجاد شبکه گسترده‌ای از سازمان‌های اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی که موجب ایجاد همگرایی بین‌المللی می‌شود، بهترین راه برای مقابله با وضعیت بحران‌آمیز است (امیدی و اصلانی، ۱۳۸۸: ۷). شاید یکی از مبانی مناسب برای بررسی تئوریک همگرایی اروپا تعریف هاس - یکی از اولین نظریه‌پردازان همگرایی - از همگرایی باشد؛ به عقیده او همگرایی فرایندی است که از طریق آن بازیگران سیاسی از ملیت‌های متمایز وفاداری‌ها، انتظارات و اقدامات سیاسی خود را به سوی مرکز جدیدی که دارای نهادهای فراملی است انتقال می‌دهند. فرجام این فرایند، شکل‌گیری جامعه سیاسی جدیدی است که در موقعیتی فراتر از سایر جوامع سیاسی قرار دارد (Haas, 1986: 16). اکثر نظریه‌پردازان قرابت زیادی با این تعریف دارند؛ اگر چه ممکن است در برخی حوزه‌ها اختلافاتی وجود داشته باشد.

خلف میترا، یعنی ارنست هاس^۳، ضمن پذیرش بسیاری از مفروضات و مدل‌های نظریه همگرایی کارکردگرایانی مانند میترا، همگرایی را فرایندی می‌داند که «در آن بازیگران سیاسی در کشورهای مختلف ترغیب می‌شوند وفاداری، انتظارات و فعالیت‌های سیاسی‌شان را به رکن جدیدی تفویض کنند که نهادهای اختیارات قانونی را در دولت‌های ملی تشکیل‌دهنده آن داشته باشند یا

¹ Inter-States

² Supra-National

³ Ernest Haas

خواهان آن اختیارات باشند» (امیدی، ۱۳۸۸: ۲۹-۳۰). اشمیتر^۱ اندیشمند نوکارکردگرا معتقد است که نظریه برون‌سازی یا تبعیض نسبت به غیراعضاء^۲، پیشبرد فرایند همگرایی منطقه‌ای، بسیار تأثیر دارد. وی در این زمینه می‌گوید انگیزه‌های همگرایی در داخل یک اتحادیه منطقه‌ای، موجب بروز تبعیض نسبت به سایر بازیگرانی می‌شود که خارج از این جامعه قرار گرفته‌اند. در نتیجه، آن‌هایی که خارج از جامعه قرار دارند، ممکن است با استفاده از یکی از دو روش، یعنی تشکیل اتحادیه منطقه‌ای دیگر یا پیوستن به اتحادیه حاضر، از خود واکنش نشان دهند. در هر دو وضعیت، احتمال همکاری گسترده‌تر بین اعضاء در منطقه افزایش می‌یابد که به اثر "دومینو" نیز معروف است. منظور از اثر دومینو، این است که پیدایش یک موافقت‌نامه منطقه‌ای و یک فرایند همگرایی منطقه‌ای موفق، سایرین را نیز به پیوستن ترغیب می‌کند تا جایی که همه کشورها در روند همگرایی درگیر می‌شوند. کارل دویچ^۳ نیز درباره همگرایی، موضوع مهمی را مطرح می‌کند که بسیار گویاست. به اعتقاد دویچ، ارتباطات در نزدیک شدن جوامع تأثیر مهمی دارند، بنابراین، هر چه ارتباطات در زمینه‌های حمل و نقل، توریسیم، مراودات پستی، تجارت و مهاجرت بیشتر باشد، این جوامع بیشتر به هم نزدیک می‌شوند و به جای منازعه، به همکاری رو می‌آورند و جوامع امنیتی را تشکیل می‌دهند (کاظمی، ۱۳۷۰: ۳۸). تشکیل اتحادیه اروپا یکی از موفقیت‌های عرصه روابط بین‌الملل به حساب می‌آید که دولت‌های اروپایی را با استفاده از مجموعه‌ای از قوانین و مقررات و نهادها به یکدیگر پیوند داده است. این میزان از همگرایی میان دولت‌های ملی دارای حاکمیت تا زمان حاضر در جامعه بین‌الملل بی سابقه است (آقامحمدی، ۱۳۹۵: ۱۰).

بنابراین، بر اساس نظریه‌های همگرایی منطقه‌ای، پیشرفت فرایند همگرایی یا برداشت سودمند بودن آن برای اعضاء، با ایجاد و اتخاذ سیاست‌های کارکردی چشمگیر (مانند بازار مشترک)، چارچوب‌های سازمانی مؤثر (استقلال حقوقی و شخصیت فراملی)، همانندی و درک متقابل در ارزش‌های سیاسی و فرهنگی، لیبرالیسم اقتصادی و مساعدت عوامل بین‌المللی حاصل می‌شود (امیدی و اصلانی، ۱۳۸۸: ۱۰). بی تردید، همان‌گونه که اندیشمندانی مانند میترانی و هاس نیز تأکید می‌کنند، درک متقابل سیاسی و اهمیت دادن نظام‌های دموکراتیک به گفتگوی دوجانبه و همکاری، آن‌ها را به همکاری‌های اقتصادی و منطقه‌گرایی سوق می‌دهد.

1 Schmitter

2 Externalisation

3 Karl Deutch

۲. رویکرد جدید در مذاکرات

آنچه از آن به عنوان رویکردی جدید برای مذاکرات اتحادیه اروپا یاد می‌شود، در واقع از زمان مذاکرات الحاق کرواسی با معرفی معیارهایی برای آغاز و خاتمه گفتگوها در برخی از موارد، اما نه در همه فصول، شکل گرفته است. با این حال، معیارهایی که برای هر فصل مذاکره به یک تعهد تبدیل شده‌اند، به‌ویژه رویکرد کلی ساختاریافته، سرانجام تنها در زمان تصمیم‌گیری برای آغاز مذاکرات با مونته‌نگرو شکل گرفتند. این اقدام به معنای اولویت اهمیت دادن به قانون، از جمله فصل ۲۳ (اصلاحات قضایی، مبارزه با فساد، حقوق بشر و اقلیت‌ها) و فصل ۲۴ (عدالت، آزادی، امنیت) است که در روند مذاکرات، اولین فصولی هستند که باید گشوده شده و آخرین فصولی که بسته می‌شوند (Manners, 2002:240). علاوه بر این، به آن‌ها نقش یک عامل کنترل‌کننده در مذاکرات داده می‌شود، زیرا بند عدم تعادل، شرط می‌کند که هرگونه توقف در اجرای تعهدات ناشی از این فصول، باید منجر به فعال‌سازی مکانیسم تعلیق کل مذاکرات عضویت شود. علاوه بر معیارهای افتتاحیه یا پایانی، این فصول حاکی از تعیین معیارها و بازه‌های زمانی موقت برای ارزیابی سازگاری در انجام تعهدات همسویی در حوزه حاکمیت قانون است. همچنین، مذاکرات برای موقعیت و نقش کشورهای عضو اتحادیه اروپا بسیار بازرتر است، زیرا آن‌ها درخصوص اینکه آیا معیارها رعایت شده‌اند یا خیر، تصمیم می‌گیرند. سرانجام، معیارها در حال تکثیر هستند، که این را می‌توان با این واقعیت نشان داد که به عنوان مثال، تعداد معیارهایی که کرواسی باید برآورده کند، دو برابر کمتر از معیارهای موقت مونته‌نگرو است که فقط برای فصل ۲۳ و ۲۴ باید برآورده نماید. در حقیقت، می‌توان نتیجه گرفت که هر مرحله از روند مذاکره بسیار دشوارتر از گذشته است. این رویکرد جدید، به طور طبیعی حاصل تجربه‌ای است که اتحادیه اروپا در موج‌های قبلی گسترش کسب کرده بود. اکنون اتحادیه می‌داند که جامعه‌ای از ارزش‌ها است، نه صرفاً یک بازار مشترک. حاکمیت قانون، به ویژه حمایت از حقوق اساسی، پیش‌شرط مشروعیت اتحادیه اروپا محسوب می‌شود که فراتر از همگرایی اقتصادی و سیاسی است.

اعتقاد بر این است که این موضوعات، که امروزه از اهمیت بالایی برای مذاکرات برخوردار است، شامل ۹ هنجار حیاتی برای ارزش‌های اروپایی، یعنی پنج هنجار اصلی (صلح، ایده آزادی، دموکراسی، حاکمیت قانون و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی) و چهار هنجار جزئی (همبستگی اجتماعی، مبارزه با تبعیض، توسعه پایدار و حاکمیت خوب) است (Manners, 2002:242).

۱.۲ اصول اولیه

علاوه بر تمرکزی که بر روی حاکمیت قانون به عنوان رکن اصلی گذاشته می‌شود، اسناد کمیسیون اروپا مربوط به «استراتژی گسترش»^۱، موضوعات خاص دیگری را تقویت نموده است (<http://ec.europa.eu>). در نتیجه، به موضوعات اقتصادی و نیاز به شروع اصلاحات در دولت در مراحل اولیه مذاکرات، اولویت داده شده است. در اینجا نیز دلیل این امر، تجربه‌ای است که اتحادیه اروپا در موارد قبلی گسترش کسب کرده است؛ یعنی کار با کشورهایی که هنوز آمادگی کامل نداشتند ولی به عضویت اتحادیه اروپا درآمدند. پس از این اتفاق، نفوذ نهادها برای تداوم اصلاحات آن‌ها کاهش یافت و یا به کلی از میان رفت. بدین ترتیب، حاکمیت اقتصادی، سازوکار نظارتی خود را در قالب برنامه اصلاحات اقتصادی (ERP)^۲ به دست آورد، که طی آن یک کشور باید هر ساله آن را به عنوان یک عنصر مالی، از جمله برنامه‌ریزی بودجه و همچنین برنامه‌های توسعه استراتژیک، آماده نماید. در حقیقت، این امر یادآور تعهداتی است که کشورهای عضو اتحاد پولی و اقتصادی (EMU)^۳ در نظر گرفته و بنابراین، به عنوان «پرتو دوره اروپایی»^۴ مکرراً مورد اشاره قرار گرفته، زیرا هنگامی که پیشنهاد برنامه خود را تسلیم می‌کنیم، اتحادیه اروپا ارزیابی فعالیت‌های پیشنهادی را آغاز می‌نماید. منطق پشت این سند آن است که یک کشور از نظر اقتصادی نیز باید آمادگی عضویت را داشته باشد، نه این که فقط بتواند با قوانین اتحادیه اروپا همراهی نماید. از سوی دیگر، موظف است اصلاحات عمومی اداری ایجاد کند تا یک دستگاه اداری، نه تنها توانایی انجام مذاکرات را داشته باشد، بلکه همچنین ثابت کند که توانایی اجرای همه موارد توافق شده را دارا است. علاوه بر این، چنین دستگاه اداری، در سطح کشوری و همچنین در سطح منطقه‌ای و محلی، باید آمادگی داشته باشد تا پس از تبدیل شدن به یک کشور عضو اتحادیه، تمام شرایط را برآورده سازد، یعنی زمانی که تمامی سیاست‌های اتحادیه اروپا به بخشی از سیاست‌های ملی تبدیل می‌شود (Miščević, 2015: 18).

۳. چارچوبی برای ارزیابی کارایی رشد اقتصادی صربستان

رشد اقتصادی پائین، مشکل ساختاری اصلی صربستان بوده است. سرانه تولید ناخالص داخلی

4 Enlargement strategy

2 Economic Reform Programme (ERP)

3 Economic and Monetary Union (EMU)

4 European Semester Light

کشور، نصف کشورهای مرکز و شرق اروپا (و یک سوم کشورهای توسعه یافته غرب اروپا) می‌باشد. برای رسیدن به سطح کشورهای جامعه اقتصادی اروپا، صربستان باید رشد اقتصادی پایدار، به میزان قابل ملاحظه‌ای بالاتر از این کشورها، داشته باشد. سالیان سال است که رشد اقتصادی صربستان پایین‌تر از رشد کشورهای جامعه اقتصادی اروپا بوده است که موجب می‌گردد، شکاف میان صربستان و این کشورها، به جای کاهش، گسترده‌تر شود. برای ارزیابی رشد اقتصادی در صربستان، به معادلات رشد تجربی در بلندمدت روی آوردیم که اکثر تغییرات در رشد سرانه تولید ناخالص داخلی را تشریح می‌نماید. برای تخمین معادله رشد برای کشورهای اتحادیه اروپا، از آن‌ها بهره گرفتیم و آن را به عنوان نقطه عزیمت برای ارزیابی عملکرد رشد در صربستان به کار گرفتیم (P.Petrović, D.Brčerević, M.Gligorić, 2019: 18).

«وولف»^۱ در ضمن بازنگری معادلات رشد تجربی تاکید می‌کند که برخی فاکتورهای خاص، به طور سیستماتیک، از لحاظ آماری بسیار مهم پدیدار می‌شوند و با نشانه مورد انتظار در این پسرته‌ها، اکثریت تغییرات درازمدت در رشد اقتصادی را تشریح می‌کند. این «نیروهای قدرتمند» رشد عبارتند از: اثرات جبرانی، سرمایه‌گذاری، تحصیل، نهادها و تحقیق و توسعه (Wolff, E, 2013).

۴. میزان و دلایل عقب ماندگی رشد اقتصادی صربستان

برای ارزیابی عقب ماندگی رشد اقتصادی صربستان لازم است ابتدا مسیر رشد فعلی کشور را مشخص نمائیم. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های رشد اقتصادی صربستان، نوسانات سال به سال آن است که از تمامی کشورهای مشابه بزرگ‌تر می‌باشد. به عنوان مثال، رشد تولید ناخالص داخلی سال ۲۰۱۸، که معادل ۴٫۳ درصد برآورد می‌کنیم، تقریباً دو برابر رشد تحقق یافته سال ۲۰۱۷ است. از سوی دیگر، رشد اقتصادی در سال ۲۰۱۷ معادل P.P ۱٫۳ پایین‌تر از رشد سال ۲۰۱۶ (۳٫۳ درصد) بود. تجزیه و تحلیل دقیق‌تر نشان می‌دهد که هیچ‌گونه تغییر پایداری در روندهای رشد تولید ناخالص داخلی در پشت این نوسانات بزرگ در رشد تولید ناخالص داخلی سالانه وجود نداشته است، بلکه بیشتر حاصل عوامل موقتی، به ویژه تغییرات فصول کشاورزی بوده است.^۲ بنابراین، برای

^۱ Wolff

^۲ کشاورزی ۸٪ از تولید ناخالص داخلی صربستان را شامل می‌شود، در حالی که در سایر کشورهای CEE سهم آن به طور متوسط زیر ۴٪ است. به همین دلیل است که تأثیر فصول مختلف کشاورزی (خشکسالی، طغیان،

برآورد صحیح روندهای موجود در فعالیت اقتصادی در صربستان، نیاز است فاکتورهای مربوط به سال‌های قبل که رشد سالانه تولید ناخالص داخلی را به طور موقت افزایش یا کاهش داده و هیچ اثر دائمی روی این روند در میان مدت نگذاشته است، به درستی شناسایی نماید (P.Petrović, D.Brčerević, M.Gligorić, 2019: 18).

پرسش اصلی آن است که جمهوری صربستان به عنوان مهم‌ترین میراث‌دار بحران‌ها و ساختارهای ضعیف اقتصادی به جای مانده پس از فروپاشی یوگسلاوی سابق، آیا توانسته است در حوزه اقتصادی به سطح کشورهای پیشرفته اروپایی برسد؟

به عبارت دیگر، چرا روند رشد این کشور، بسیار کمتر از کشورهای جامعه اقتصادی اروپا بوده است؛ اگرچه قانون همگرایی خلاف آن را دیکته می‌کند. در پاسخ به این سؤال، باید ابتدا خاطر نشان کرد که هیچ دلیل پیچیده‌ای وجود ندارد که نمایانگر این موضوع باشد که چرا صربستان قادر نبوده به سطح کشورهای جامعه اقتصادی اروپا برسد. به‌رغم این واقعیت که صربستان هنوز یک عضو رسمی اتحادیه اروپا نیست، لیکن در عمل به اقتصاد و بازار اتحادیه دسترسی دارد، که خود، پیش شرط کافی برای ادغام اقتصادی و همگرایی است. سایر کشورهای جامعه اقتصادی اروپا در همان دوران پیش از الحاق، یعنی قبل از سال ۲۰۰۳، دقیقاً در راستای روند همگرایی مورد انتظار، به کشورهای پیشرفته‌تر اتحادیه اروپا رسیدند، گرچه هنوز به عضویت اتحادیه اروپا درنیامده بودند. بنابراین، در شرایطی مشابه آنچه که امروز صربستان پیش‌رو دارد، این کشورها اثر جبرانی را نشان دادند. تمامی این‌ها نشانگر آن است که دلیل فقدان این همگرایی در صربستان را بیشتر باید در عوامل داخلی، و نه خارجی جستجو نمود. تحلیل تجربی ما بر روی نمونه‌هایی از کشورهای بیست‌وهفت‌گانه اتحادیه اروپا نشان داد که علاوه بر عامل همگرایی، عوامل زیر هم نقش مهمی در رشد اقتصادی کشورهای تحت بررسی ایفا می‌کنند: سطح سرمایه‌گذاری، فساد و حاکمیت قانون، و دستاوردهای آموزشی. هر اندازه شاخص‌های عنوان شده در یک کشور معین در وضعیت بدتری باشد، رشد اقتصادی کشور پایین‌تر است. در موارد افراطی، اثر منفی عوامل ذکر شده بر روی تولید ناخالص داخلی می‌تواند همگرایی اقتصادی مورد انتظار را در کشورهای کمتر توسعه یافته به سوی کشورهای پیشرفته‌تر را

فصول بسیار خوب) بر رشد تولید ناخالص داخلی صربستان بسیار چشمگیر است و تأثیر آن دو برابر بیشتر از کشورهای مشابه در رشد تولید ناخالص داخلی صربستان است.

کاملاً متوقف نماید. به عبارت دیگر، از آنجا که اثر همگرایی از طریق انتقال تکنولوژی و مهارت از کشورهای توسعه یافته تر به کشورهای کمتر توسعه یافته تحقق می یابد، این امر به توانایی کشور کمتر توسعه یافته بستگی دارد که تکنولوژی و فنون مورد نیاز در سطح سرمایه گذاری و سرمایه انسانی خود را جذب نماید. علاوه بر این موانع، چنانچه مسئله فساد عمیق و ناکارآمدی حاکمیت قانون نیز وجود داشته باشد (که خود مانع رشد سریع اقتصادی می شود)، کشور توسعه نیافته به سهولت ممکن است به جای مسیر مورد نظر، به سمت مخالف حرکت کند، یعنی به جای پرکردن شکاف و فاصله، آن را گسترده تر کند. (P.Petrović, D.Brčerević, M.Gligorić, 2019: 26). بر اساس شاخص های اندازه گیری کمی فساد، حاکمیت قانون، سهم سرمایه گذاری در تولید ناخالص داخلی و دستاوردهای نظام آموزشی، صربستان در پایین ترین رده بندی های اروپایی قرار می گیرد. هنگامی که این شاخص ها برای صربستان در معادله رشد تخمینی قرار می گیرد، حاصل آن یک اثر منفی مشترک در رشد اقتصادی به میزان ۱,۵ تا ۲ p.p است، یعنی دقیقاً به اندازه شکاف عقب ماندگی تخمینی صربستان. به بیان دیگر، این فاکتورها بیشترین تاثیر را بر این واقعیت دارند که رشد اقتصادی صربستان، در بلندمدت، پائین تر از کشورهای جامعه اروپا است، اگرچه باید برعکس این باشد. معادله تخمینی در عین حال نشان می دهد که عوامل منفرد، بزرگترین تاثیر منفی روی رشد اقتصادی صربستان از فساد و حاکمیت ضعیف قانون حاصل می شود. چنانچه صربستان می توانست سطح فساد را کاهش دهد و حاکمیت قانون را به سطح میانگین کشورهای جامعه اقتصادی اروپا برساند، رشد اقتصادی کشور، بر اساس معادله رشد تخمینی، به میزان ۰,۹ P.P سرعت می گرفت. افزایش سرمایه گذاری ها از ۱۸ درصد تولید ناخالص داخلی فعلی به ۲۳ درصد، دیگر به رشد اقتصادی اضافه می کرد، در حالی که افزایش در دستاوردهای آموزشی به سطح میانگین جامعه اقتصادی اروپا ۰,۲ p.p دیگر اضافه می کرد. تاثیر تخمینی هر یک از این شاخص ها باید به عنوان نشانه در نظر گرفته شود، نه اعداد دقیق. در ادامه، هر یک از این شاخص ها که بر رشد اقتصادی صربستان تاثیر منفی دارند، به تفصیل مورد بررسی قرار می گیرند (P.Petrović, D.Brčerević, M.Gligorić, 2019: 27).

۱.۴ سرمایه گذاری ها

سرمایه گذاری، مقدار سرمایه فیزیکی را افزایش می دهد، و همچنین پیشرفت تکنیکی به وجود می آورد و همگی در کنار هم به افزایش رشد اقتصادی منتهی می شود. رابطه میان بزرگی

سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی، رابطه‌ای مستقیم است. کشورهای دارای سرمایه‌گذاری‌های پایین، به عنوان یک قاعده، به نرخ‌های رشد اقتصادی پائین دست می‌یابند. از آنجا که صربستان از لحاظ سهم پائین سرمایه‌گذاری در تولید ناخالص داخلی به نسبت سایر کشورهای جامعه اقتصادی اروپا، شناخته شده می‌باشد، این یکی از دلایلی است که چرا رشد اقتصادی صربستان تا این حد پایین می‌باشد. اگر از رابطه تخمینی میان سرمایه‌گذاری‌ها و سطح توسعه اقتصادی آغاز کنیم، می‌توانیم سطح سرمایه‌گذاری تضمین شده در صربستان را برآورد نماییم. بزرگی سرمایه‌گذاری، مانند نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، به سطح توسعه اقتصادی کشورهای تحت بررسی بستگی دارد. کشورهای کمتر توسعه یافته، به عنوان یک قاعده، سهم بزرگ‌تری از تولید ناخالص داخلی را برای سرمایه‌گذاری تخصیص می‌دهند. این رابطه را با تحقیق بر روی این نکته آزمودیم که آیا سهم سرمایه‌گذاری در تولید ناخالص داخلی، به سرانه تولید ناخالص داخلی و همچنین به حاکمیت قانون و فساد بستگی دارد یا خیر. با استفاده از یک نمونه از کشورهای اتحادیه اروپا (با داده‌های متعلق به ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۷)، تخمین‌ها، سطح سرانه تولید ناخالص داخلی به لحاظ آماری مهمی را روی اندازه سرمایه‌گذاری‌های نسبی نشان دادند. سپس معادله تخمینی را با سطح فعلی سرانه تولید ناخالص داخلی در صربستان ترکیب کردیم و به این رسیدیم که سرمایه‌گذاری‌ها در صربستان باید حدود ۲ P.P تولید ناخالص داخلی بالاتر از کشورهای جامعه اقتصادی اروپا باشد. طبق مدل برآورد شده، برای یک کشور در سطح توسعه صربستان، سهم سرمایه‌گذاری باید حدود ۲۳ درصد تولید ناخالص داخلی باشد، یعنی حدود ۲ P.P بالاتر از کشورهای جامعه اقتصادی اروپا. در حال، میانگین سهم سرمایه‌گذاری در تولید ناخالص داخلی صربستان در دوره ۲۰۱۵-۲۰۱۷، صرفاً ۱۷٫۱ درصد بوده است، یعنی حدود ۶ P.P کمتر از حد لازم. به دلیل این سهم پائین سرمایه‌گذاری در تولید ناخالص داخلی، برآورد می‌کنیم که صربستان بین ۰٫۵ تا ۱ P.P رشد سالانه تولید ناخالص داخلی را از دست می‌دهد. مجموع سرمایه‌گذاری نشان‌دهنده جمع عدد جزئی (سرمایه‌گذاری دولت، موسسات عمومی، بخش خصوصی داخلی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی) است. از این رو، برای ارزیابی مجموع سرمایه‌گذاری در صربستان، هریک از این بخش‌ها باید جداگانه مورد تجزیه و تحلیل قرارگیرد. این تحلیل نشان داده است که سرمایه‌گذاری خارجی، تنها بخش سرمایه‌گذاری است که در حال حاضر در سطح رضایت بخش است (Fiscal Council, 2017).

سرمایه‌گذاری دولت در صربستان در سال ۲۰۱۸ به حدود ۳٫۸ درصد تولید ناخالص داخلی بالغ گردید، که کافی نمی‌باشد، زیرا به میزان قابل ملاحظه‌ای پائین‌تر از سطح سرمایه‌گذاری عمومی مشابه در سایر کشورهای جامعه اقتصادی است (که به حدود ۴٫۵ درصد تولید ناخالص داخلی بالغ می‌شد). شرایط زمانی بدتر می‌شود که ساختار سرمایه‌گذاری عمومی جاری در صربستان نیز رضایت‌بخش نمی‌باشد، زیرا بخش بزرگ نامعقولی از سرمایه‌گذاری عمومی به خرید تجهیزات نظامی و پلیس تعلق دارد که هیچ اثر مثبت مهمی روی رشد اقتصادی ندارد، درحالی که در زمینه زیرساخت‌ها، به ویژه حفاظت از محیط زیست، آموزش و بهداشت، سرمایه‌گذاری بسیار ناچیزی صورت گرفته است.

تحلیل مقایسه‌ای نشان می‌دهد که صربستان باید سرمایه‌گذاری عمومی (به غیر از بخش امنیت) را حداقل به میزان ۱ p.p تولید ناخالص داخلی بالا ببرد، یعنی بر روی راه‌ها، خطوط راه‌آهن، حفاظت از محیط زیست، آموزش، مراقبت‌های سلامت و امثال آن. در سال‌های پیش‌رو، فضای پولی برای این افزایش وجود دارد، به شرط آن که دولت (و دولت‌های محلی) موسسات زیانده خود را بهبود بخشند و اولویت‌های خط‌مشی اقتصادی خود را تغییر دهند. به عنوان یک قاعده، موسسات مرکزی و عمومی داخلی، حتی زمانی که هزینه مستقیم برای بودجه محسوب نمی‌شوند، بازدهی ضعیفی دارند و کمتر از حد لازم سرمایه‌گذاری می‌کنند. به عنوان مثال، بزرگ‌ترین موسسات عمومی، همانند شرکت نیروی برق، سال‌ها است که کمتر از سطح استهلاک خود سرمایه‌گذاری می‌کند؛ بنابراین، نه تنها ظرفیت‌های تولیدی خود را افزایش نداده، بلکه سال‌هاست که آن‌ها را کاهش هم داده است. برآوردهای فعلی نشان می‌دهد که شرکت نیروی برق باید سرمایه‌گذاری‌های خود را هر سال به میزان بیش از ۲۰۰ میلیون یورو (حدود ۰٫۵ درصد تولید ناخالص داخلی) افزایش دهد تا ظرفیت‌های تولید خود را افزایش دهد و به استانداردهای زیست محیطی اتحادیه اروپا برسد. ضمن آنکه، برآوردهایی وجود دارد که نشان می‌دهد موسسات عمومی داخلی باید سرمایه‌گذاری‌های خود را بیش از ۱۰۰ میلیون یورو (۰٫۲۵ درصد تولید ناخالص داخلی) افزایش دهند. بزرگ‌ترین شکاف سرمایه‌گذاری (۳ تا ۴ p.p تولید ناخالص داخلی) در صربستان به بخش خصوصی داخلی تعلق دارد. اگرچه بخش خصوصی به طور مستقل در مورد سرمایه‌گذاری خود تصمیم می‌گیرند، لیکن دولت می‌تواند اثر مثبت مهمی از طریق بهسازی محیط تجاری بر جای گذارد. محیط تجاری از تعدادی زیادی عوامل مختلف تشکیل شده است. در راستای اهداف این پژوهش، اثر حاکمیت قانون و فساد

را بر روي بزرگي سرمايه‌گذاري خصوصي آزمايش نموده و ثابت كرديم كه از لحاظ آماري حائز اهميت مي‌باشد.

اين بدین معناست كه بخش خصوصي در صربستان سرمايه‌گذاري بسيار زيادترى انجام مي‌داد، به شرط آنكه فساد كمتر بود و حاكميت قانون بهسازي مي‌گرديد. معادله تخميني براي سرمايه‌گذاري خصوصي فقط بخشي از تغييرات آن را نشان مي‌دهد كه حاكي از اين است كه علاوه بر فساد و حاكميت قانون، طيف وسيعي از عوامل ديگر وجود دارد كه بر سطح سرمايه‌گذاري خصوصي تاثير مي‌گذارد. نمونه‌هاي بارز، رتبه پايين اعتبار كشور، كيفيت ضعيف زيرساخت‌هاي اصلي و امثال آنها مي‌باشد.

۲.۴ فساد و حاكميت قانون

سلطه گسترده فساد و حاكميت ضعيف قانون، رشد اقتصادي كشور را به شدت پايين مي‌آورد. فساد سطح ايفاي نقش عوامل را منحرف و رفتار غيرمتعارف را ترويج مي‌كند، كه به كاربرد ناكافي منابع منجر مي‌گردد. علاوه برآن، نظام قضايي ناكاراآمد و غير مستقل، مانع بزرگي سر راه تجارت ايجاد مي‌كند. فساد و متغير حاكميت قانون در معادله رشد تخميني ما اهميت بسزايي دارد. با تركيب مدل تخميني و شاخص‌هاي مربوطه براي صربستان، رشد اقتصادي صربستان صرفا با بهسازي شاخص‌هاي فساد و حاكميت قانون به ميزان $p.p$ ۰,۵ تسريع يافته و به سطح كشورهاي پيرامون مي‌رسد (ميانگين بلغارستان، روماني، مجارستان و كرواسي). تاكيد مي‌شود كه اين چهار كشور در عمل پايين‌ترين رتبه‌ها را در اين شاخص‌ها در كلّ اتحاديه اروپا دارا هستند. چنانچه صربستان بخواهد به ميانگين سطح تمام كشورهاي جامعه اقتصادي اروپا برسد، رشد اقتصادي اين كشور بايد احتمالا يك درصد تسريع يابد. طبق داده‌هاي شاخص‌هاي حكراني در سراسر جهان (WGI data)^۱، نمره صربستان در فساد و حاكميت قانون از ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷، از ۰,۱۹- به ۰,۲۸- کاهش يافت، در حالي كه در همان زمان، كشورهاي جامعه اقتصادي اروپا به بهبود ملايمي از ۰,۵۴ به ۰,۵۶ دست يافتند. ساير شاخص‌هاي بين‌المللي مربوطه كه فساد و حاكميت قانون را اندازه‌گيري مي‌كنند، تقريبا روند مشابهي را نشان مي‌دهند. بنابراین، براساس «شاخص درك فساد» كه توسط شفافيت بين‌الملل منتشر گرديد، امتياز صربستان از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ از ۴۱ به ۳۹ کاهش يافت، درحالي كه از لحاظ رتبه نسبي در مقايسه با ساير كشورها، صربستان از رتبه ۷۸ (از مجموع ۱۷۴ كشور) به ۸۷

¹ Worldwide Governance Indicators (WGI)

(از مجموع ۱۸۰ کشور) سقوط کرد. به همین ترتیب، براساس تحقیقات «پروژه عدالت جهانی»، جمع امتیاز حاکمیت قانون در صربستان از ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸، از ۰،۵۱ به ۰،۵۰ کاهش یافت، درحالی که جایگاه این کشور از رتبه ۵۴ (از بین ۹۹ کشور) به رتبه ۷۶ (از مجموع ۱۱۳ کشور) پایین آمد. سرانجام آنکه، باید تاکید کرد که مجموعه داده‌های شاخص‌های حکمرانی در سراسر جهان (WGI) که برای این تجزیه و تحلیل و بررسی‌های اقتصادی مورد استفاده قرار گرفت، در عمل شامل شش شاخص منفرد هستند:

(۱) اعتبار؛

(۲) ثبات سیاسی و فقدان خشونت؛

(۳) کارآیی دولت؛

(۴) کیفیت نظم‌دهی؛

(۵) حاکمیت قانون؛

(۶) کنترل فساد.

امتیاز کلی شاخص‌های حکمرانی جهانی (WGI) برای یک کشور معین می‌تواند بر اساس میانگین این شش شاخص محاسبه گردد. دراین تحقیقات، نه تنها تاثیر این امتیاز کلی بر رشد تولید ناخالص داخلی، بلکه اثر اجزاء منفرد آن مورد بررسی قرار گرفت. بهترین نتایج را از طریق استفاده از شاخص‌های فساد و حاکمیت قانون در معادله تخمینی به‌دست آوردیم، یعنی از بین شش شاخص منفرد، این دو بیشترین و مستقیم‌ترین تاثیر را بر رشد تولید ناخالص داخلی داشتند. نتیجه حاصله تعیین‌کننده است زیرا نشان می‌دهد که کاهش فساد و بهبود حاکمیت قانون، مجاری اساسی هستند که از طریق آن‌ها دولت می‌تواند رشد اقتصادی را تسریع نماید. برای مثال، پیاده‌سازی مقررات مناسب اتحادیه اروپا برای بهبود رتبه کشور با شاخص کیفیت نظم‌دهی، نمی‌تواند به تنهایی تاثیر بزرگی بر تسریع رشد اقتصادی ایجاد نماید، اگر پیروی از چنین مقرراتی رضایت‌بخش نباشد (یعنی اگر در کشور فساد عمیق و سطح نازلی از حاکمیت قانون وجود داشته باشد). بنابراین، تحلیل ما نشان می‌دهد که برای تسریع رشد اقتصادی، کافی نیست که صرفاً قوانین و مقررات خوب را از اتحادیه اروپا کپی برداری کرد (که کار نسبتاً ساده‌ای است)، بلکه پیشرفت در شاخص‌های اساسی - کاهش فساد و حاکمیت قانون - نیز برای این که پیاده‌سازی قوانین خوب به صورت مداوم و کارآمد تضمین شود، ضروری است.

۳.۴ آموزش و پرورش

تئوری اقتصادی حداقل سه کانال را شناسایی کرده که از طریق آن، آموزش می‌تواند بر رشد اقتصادی تاثیر بگذارد. اول آن که، آموزش خوب، بهره‌وری نیروی کار را بالا می‌برد و به افزایش ارزش افزوده فردی منجر می‌گردد (تئوری رشد کلاسیک). دوم آن که، آموزش به ظرفیت نوآوری بیشتر اقتصاد کمک می‌کند و به رشد اقتصادی سریع‌تر منتهی می‌شود (تئوری رشد درون‌زا). سوم آن که، بهبود آموزش، انتقال فنون و تکنولوژی‌های نوین از کشورهای پیشرفته به کشورهای در حال توسعه را تسریع می‌نماید (تئوری همگرایی). به موازات این انتظارات نظری، پارامترهای آموزش را در معادله تخمینی رشد اقتصادی برای کشورهای بیست و هفت‌گانه اتحادیه اروپا قرار دادیم، که رابطه آماری مهمی را به نمایش گذاشت؛ یعنی آموزش بهتر، رشد اقتصادی کشورهای تحلیل شده را افزایش می‌دهد. در ارتباط با شاخص آموزش برای هر کشور، در معادله تخمینی «میانگین سال‌های تحصیل» را آنگونه که توسط «برنامه توسعه سازمان ملل» (UNDP)^۱ در گزارش‌های توسعه انسانی گزارش شده، استفاده نمودیم. میانگین سال‌های مدرسه، در واقع متوسط سال‌های تحصیل مدرسه‌ای برای جمعیت بالای ۲۵ سال است. طبق داده‌های مربوط به سه سال قبل، شهروندان بالغ صربستان به طور متوسط ۱۱٫۱ سال تحصیل مدرسه‌ای دارند که حدود یک سال کمتر از میانگین کشورهای جامعه اقتصادی اروپا می‌باشد (۱۲٫۲ سال). معادله رشد تخمینی نشان می‌دهد که این فاصله در سال‌های تحصیلی در میان مردم صربستان، به معنای حدود ۰٫۲ p.p رشد اقتصادی کمتر در مقایسه با سایر کشورهای جامعه اقتصادی اروپا می‌باشد. نتیجه برای تاثیرات آموزش در تولید ناخالص داخلی، باید با احتیاط مورد توجه قرار گیرد. یعنی این که کاربرد شاخص «میانگین سال‌های تحصیل» در معادله تخمینی مزیت‌های خود را دارد، اما معایبی هم دارد. مزیت‌ها این هستند که سری‌های سالانه مطمئنی برای این شاخص وجود دارد که از همان منبع (برنامه توسعه سازمان ملل) برای تمام کشورها، از جمله کشورهای تحت آزمایش از سال ۱۹۹۵، به دست آمده است. به علاوه، این شاخص ساده بوده و با گذشت زمان تغییر نکرده است، یعنی همواره با همان روش قابل مقایسه طی دهه‌های گذشته اندازه‌گیری شده است. در آخر، معادله تخمینی تائید می‌کند که رابطه آماری مهمی میان میانگین سال‌های تحصیلی و رشد اقتصادی وجود دارد؛ که معنایش این است که این شاخص می‌تواند به‌گونه‌ای نزدیک به سرمایه انسانی باشد. البته دو ایراد مهم در این شاخص وجود دارد که

¹ United Nations Development Programme (UNDP)

توجه به آن‌ها حائز اهمیت است، زیرا معتقدیم که روی نتیجه‌های به دست آمده از تحلیل اقتصادی تاثیر می‌گذارند. اولین آن، زمان طی شده در مدرسه است که براساس تعریف، کیفیت نظام آموزشی را نشان نمی‌دهد. کیفیت یک سال تحصیل مدرسه‌ای در فنلاند متفاوت است از تحصیل در بلغارستان (که در تحقیقات مرتبط نشان داده شده است) و این بدین معناست که دو کشور با همان میانگین سال‌های تحصیل مدرسه‌ای، کیفیت سرمایه انسانی یکسانی ندارند. به عبارت دیگر، این احتمال وجود ندارد که صربستان از طریق بالابردن سال‌های تحصیل مدرسه‌ای مردمش بتواند رشد اقتصادی کشور را تسریع نماید، بدون آن که نظام آموزشی خود را بهبود بخشد. دومین مسئله در ارتباط با شاخص مورد استفاده، این واقعیت است که داده‌ها نشان می‌دهند که کشورهای جامعه اقتصادی اروپا از لحاظ سال‌های تحصیلی مردمش تفاوتی ندارند. تمام کشورهای جامعه اقتصادی اروپا تفاوتی جزئی از ۱۱ تا ۱۳ سال دارند، و این اختلاف ناچیز به میراث مشترک از لحاظ دسترسی خوب به نظام آموزشی قابل انتساب است که از دوران سوسیالیستی به جای مانده است. به دلیل آن که این شاخص، که در این مدل استفاده شده است، نمی‌تواند ویژگی‌های کیفی نظام‌های آموزشی را در کشورهای منفرد به نمایش بگذارد، و از آنجا که داده‌ها تفاوت قابل ملاحظه‌ای ندارند، تاثیر برآورد شده آموزش بر رشد اقتصادی بهای کافی داده نشده است. به عبارت دیگر، رابطه میان کیفیت آموزش و رشد اقتصادی قابل بحث نیست و ما آن را در مدل خودمان تأیید کرده‌ایم. در حال، تاثیر بهسازی آموزش بر تسریع رشد اقتصادی صربستان احتمالاً چیزی بیشتر از $2.0p.p$ است که از مدل تخمینی به دست آمده است (P.Petrović, D.Brčerević, M.Gligorić, 2019: 18-32). علاوه بر شاخص‌های اقتصادی، ضروری است در ادامه، عوامل موثر بر چالش‌های پیش روی اتحادیه اروپا و صربستان، دلایل پیشروی آهسته روند گسترش در بالکان غربی، مسائل و مشکلات پیش روی مدیریت اقتصادی در جنبه‌های اصلی همگرایی نیز تبیین گردد.

۵. رویکرد ابتکاری جدید برای صربستان

درخصوص صربستان، یک ویژگی دیگر وجود دارد که به اصطلاح فصل ۳۵ نامیده می‌شود. این فصل معمولاً موضوعاتی از قبیل قوانین جدید اتحادیه اروپا را تحت پوشش قرار می‌دهد، که با توقف موقت مذاکرات در مورد این فصل، و همچنین دسترسی به نهادهای تخصصی اتحادیه اروپا و ترتیبات ویژه برای برخی از کشورها، در فصول مختلف (به عنوان مثال رژیم تجاری در کریدور

Neum (در مورد کرواسی) ظاهر می‌شود. در موضوع صربستان، این فصل به معنای مکانیزم نظارت بر تمامی توافقاتی (فعلی و آتی) ناشی از مذاکرات بلگراد-پریشتینا در حیطه عادی‌سازی روابط می‌باشد. این فصل، در روند مذاکره وضعیتی مشابه فصل حاکمیت قانون دارد، دارای معیارهای موقت است و بند عدم تعادل را می‌توان در مورد آن اعمال کرد: اگر ارزیابی شود که در اجرای توافقات‌نامه‌های به دست آمده هیچ پیشرفتی وجود ندارد، مکانیزم تعلیق مذاکرات در فصول دیگر را می‌توان فعال نمود. مشکل دیگر آن است که هیچ قانونی در این فصل وجود ندارد، بنابراین، معلوم نیست که کدام معیار را باید به کار گرفت تا ارزیابی شود که در اجرای تعهدات ناشی از این فصل پیشرفت کافی حاصل شده است یا خیر. این فصل حتی برای نهادهای اتحادیه اروپا (سرویس اقدام خارجی اروپا (EEAS)¹ و کمیسیون اروپا) و همچنین برای کشورهای عضو و به طور طبیعی صربستان تازگی دارد و در نتیجه، یکی از چالش‌برانگیزترین فصول برای مذاکره است. آنچه کاملاً واضح است، اصول اساسی فصل ۳۵ است، یعنی آنکه، این فصل به هیچ وجه جایگزینی برای مذاکرات نیست، بلکه صرفاً مکانیزمی برای نظارت بر تمامی آن چیزی است که مورد توافق قرار گرفته است. چارچوب این فصل نباید از چارچوب مذاکرات یا توافقات پیش‌رو فراتر رود. در فصل ۳۵ امکان گسترش مسئله عادی‌سازی به حوزه‌های جدید وجود ندارد، زیرا این امر فقط از طریق گفتگو قابل انجام است (Mišćević, 2015: 18-19).

۶. محیط تغییر یافته برای توسعه اتحادیه اروپا

مشکل دیگر در مذاکرات مربوط به عضویت صربستان در اتحادیه اروپا، تغییر موضع در ارتباط با گسترش بیشتر اتحادیه اروپا است. مدت زیادی است که اصطلاح «خستگی گسترش»^۲ در اتحادیه اروپا وجود دارد، به ویژه با توجه به افکار عمومی کشورهای عضو، و طبیعتاً این امر به نخبگان سیاسی نیز منتقل شده است. از سوی دیگر، باید توجه داشت که پیام‌هایی که توسط خود اتحادیه اروپا و کشورهای عضو ارسال می‌شود، کاملاً روشن و حامی عضویت صربستان در اتحادیه اروپا، کمک به این کشور در انجام شروط تعیین شده و نظارت بر تاثیر اصلاحات آن است. در عین حال، مردم بومی نیز تمایل دارند تمامی پیام‌ها را به عنوان اخطارهایی تفسیر کنند مبنی بر این که زمان برای

¹ European External Action Service (EEAS)

² Enlargement fatigue

گسترش بیشتر اتحادیه مناسب نمی‌باشد. واقعیت امیدوارکننده این است که درصد عظیمی از مردم صربستان، از اصلاحات، که جوهره اصلی همگرایی و آمادگی برای الحاق را تشکیل می‌دهد حمایت می‌کنند، بسیار بیشتر از آن که خود عضو شوند. این امر، نشانه آگاهی آن‌ها از این واقعیت است که روند تغییر محیط در صربستان مهم است و نه خود هدف، که عضویت در اتحادیه است. این فرایند، در هیچ یک از کشورهایی که در مذاکرات عضویت حضور داشته‌اند سابقه نداشته و محور اصلی مذاکرات را تشکیل داده است. ابتکارات دیگری که همه‌چیز را تغییر داده یا حداقل، تا حدودی این مبحث را آرام‌تر می‌نماید، مانند «روند برلین»، باید کاملاً برجسته شود. این ابتکار که از سوی صدراعظم آلمان، آنگلا مرکل، پیشنهاد و در آگوست ۲۰۱۴ عملیاتی شد، متکی بر شناسایی یکی از بزرگ‌ترین مشکلاتی است که کشورهای بالکان غربی با آن مواجه هستند، مشکلی که مانع قابل توجهی در ارتباطات با سایر کشورهای اروپایی است، یعنی زیرساخت‌ها. این ابتکار عمل به همین جا ختم نمی‌شود، زیرا در کنفرانس دوم «روند برلین» که در وین برگزار شد، تمرکز آن را تا جایی توسعه داد که ارتباط و پویایی جوانان را در بر گیرد. در حقیقت، تلاش شده است تا منطقه برای همه کسانی که مایل به سرمایه‌گذاری در کشورهای خود هستند، قابل دسترس‌تر باشد. این یکی از اثرات فوق‌العاده روند همگرایی اروپایی است، یعنی احساس مشارکت و تعلق، و مشارکت در روندهای تجاری. نکته جالب توجه، این دیدگاه است که اگر قرار باشد گسترش اتحادیه اروپا تا جایی ادامه یابد که به نیروی اصلی هدایت‌کننده بالکان غربی تبدیل شود، کشورهای عضو لازم است فعال‌تر باشند. به همین ترتیب، باید آماده باشند رقابلی را که آماده هستند بدون هیچ‌گونه شرطی در منطقه سرمایه‌گذاری کنند تشویق نمایند (Stratulat, 2013: 4).

۷. چالش‌های پیش روی اتحادیه اروپا و صربستان

بحران اقتصادی، کسری مالی، مشکلات مربوط به سیاست انرژی، رفاندوم بریتانیا (برگزیت)، سیاست مشترک امنیتی و خارجی (CFSP)^۱ و نواقص آن، بحران مهاجران و تهدیدهای تروریستی که اروپا در خاک خود با آن مواجه است، صرفاً تعدادی از مشکلاتی هستند که باعث جلب توجه و انرژی نخبگان سیاسی اروپا می‌شود. تمامی آن‌ها در مورد صربستان نیز انعکاس دارند. همان‌گونه که بحران مهاجران نشان داد، هنگامی که اتحادیه اروپا و صربستان همزمان با چالش‌های یکسانی مواجه

¹ Common Foreign and Security Policy (CFSP)

می‌شوند، پاسخ صربستان به چالش‌ها باید بخشی از راه‌حل مشترک با اروپا باشد. پیش از این، هرگز این حجم از گفتگو پیرامون صربستان وجود نداشته که در رسیدگی به وضعیت گروه عظیمی از مردم که تلاش می‌کنند از طریق صربستان در خاک اتحادیه اروپا مأوا گزینند، تا این میزان ارزش‌های اروپایی را به نمایش بگذارد. صربستان همچنین در این مورد خاص، برای قوانینی که توسط اعضای اتحادیه اروپا در این مورد خاص وضع شده، احترام قائل شده و نشان داد که، یقیناً، بدون دخالت این کشور در حل و فصل مسئله، هیچ‌گونه پاسخی وجود نخواهد داشت. مهم نیست که به موضوعات چگونه نگرسته می‌شود و مشکل تا چه حد بزرگ است، مهم آن است که فرصتی برای بحث پیرامون مذاکرات در سطحی گسترده‌تر از سطوح تکنیکال فراهم کرده که نشان می‌دهد یک کشور حقیقی عضو اتحادیه اروپا، کشوری نیست که صرفاً قادر به تهیه پیش‌نویس قوانین در تطابق با قوانین و رویه‌های اروپایی باشد، بلکه اساساً کشوری است که معیارهای همبستگی، تحمل و همکاری خود را به اشتراک می‌گذارد (Mišćević, 2015:20).

۸. تغییر در محتوای گسترش اتحادیه اروپا

۱۰۸ به حاشیه رفتن روند گسترش در دستورکار اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا دوران دشواری از لحاظ شرایط مالی و همچنین، بحران اقتصادی و اجتماعی داشته که چالش‌های عظیمی در عملکرد ساختار سازمانی و مکانیزم‌های حاکمیتی و سیاست‌های اصلی ایجاد کرده است. بقای منطقه یورو زیر سؤال رفته، و کاهش تعداد کشورهای عضو در منسجم‌ترین حلقه ساختارهای اروپایی را محتمل کرده است؛ به ویژه پس از آخرین ضربه‌ای که به واسطه بحران بدهی‌های یونان و همچنین سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا، مخصوصاً در جنوب اروپا، به آن وارد آمد. کنترل مالی شدیدتر شده، سازوکارهای حاکمیتی ارتقاء یافته و بر مغایرت‌های جدی در ارزیابی بهترین واکنش‌ها در مقابل چالش‌های بحران، غلبه شده است. موج‌های گسترش ۲۰۰۴، ۲۰۰۷ و سرانجام سال ۲۰۱۳، هنگامی که کرواسی به اتحادیه اروپا پیوست، مشکلات زیادی را در جذب کشورهای عضو جدید ایجاد نمود. مهم‌ترین آن، این مسئله بود که چگونه می‌توان اطمینان حاصل کرد که اصلاحات، با همان آهنگ مرحله مذاکرات برای الحاق ادامه می‌یابد، درحالی که هیچ

مکانیزمی برای تاثیرگذاری بر روند اصلاحات وجود ندارد. در نتیجه، «سازوکار اروپایی»^۱ برای کنترل اقدامات و اجرای سیاست‌ها توسط کشورهای عضو در حوزه اقتصادی پی‌ریزی شد، اما در اکثر موارد، جلوگیری از پسروی‌ها ممکن نبود، یعنی این که روند حرکت یک، دو یا چند گام در حوزه دموکراسی، حکمرانی خوب، سیاست پولی و مالیاتی، استفاده از اعتبارات اروپایی و غیره، به عقب می‌رفت. این مشکلات، به تقویت شکاکیت یا «یوروسپتیک»^۲ در میان نیروهای سیاسی کشورهای عضو منجر شده، که به عنوان یک قانون، نسبت به گسترش بیشتر اتحادیه اروپا نیز بدبین هستند (ec.europa.eu/economy).

مشکلات و چالش‌هایی که مشخصا در اتحادیه اروپا ایجاد نشده اما اتحادیه در وقوع آن‌ها دخالت داشته، باید به فهرست فوق اضافه شود. به لحاظ تاریخ وقوع، دربرگیرنده مذاکره با آمریکا درباره «مشارکت در سرمایه‌گذاری و تجارت فرا آتلانتیک» (TTIP)^۳ است که مشتمل بر ایجاد یک بازار منفرد برای کالاها، خدمات و سرمایه‌گذاری‌ها و همزمان، در نظرگرفتن اولویت برای منافع شرکتی در مقابل منافع دولت در صورت وقوع اختلاف و استانداردهای کنترلی متفاوت برای مواد غذایی است؛ وقوع بحران اوکراین و «جنگ سرد جدید» با روسیه، و به دنبال آن، تحریم‌هایی که صدمات جدی به اتحادیه اروپا و روسیه وارد کرد، و بحران مهاجران، یعنی مهاجرت مردم از نقاط جنگ‌زده و بخش‌های فقرزده از آفریقا، خاورمیانه و حتی دورترین کشورهای آسیا به اروپا که بلافاصله پس از آن اتفاق افتاد. کشورهای بالکان غربی چگونه می‌توانند به تمامی این چالش‌ها پاسخ بگویند، که لاجرم آن‌ها را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد؟ تنها استراتژی ممکن برای آن‌ها این است که این‌گونه تلقی کنند که روند گسترش، با طیف فوق‌الذکر از مشکلات و بحران‌ها، که اتحادیه اروپا با آن مواجه است، بخشی از یک راه حل است، نه یک مشکل، و یک وزنه تعادل نسبت به تمایلات

^۱ European Semester: با کمک سازوکار اروپایی، که در سال ۲۰۱۱ راه اندازی شد، کمیسیون اروپا سالانه اصلاحات مالی و ساختاری هر کشور عضو را کنترل و تحلیل میکند، توصیه‌هایی را ارائه می‌دهد و بر اجرای آنها نظارت می‌کند.

http://ec.europa.eu/economy_finance/economic_governance/the_european_semester/index_en.htm

^۲ شک‌گرایی و بدبینی نسبت به وحدت‌پذیری کشورهای اروپایی در چارچوب اتحادیه اروپا و ایجاد ساختار سیاسی - اقتصادی فرا ملیتی که از آن با عنوان یوروسپتیسیم یاد می‌شود. (Euroscepticism)

^۳ Transatlantic Trade and Investment Partnership (TTIP)

خروج از اتحادیه (برگزیت) است، که ثابت می‌کند اتحادیه اروپا هنوز یک گزینه جذاب است و «قدرت نرم» آن هنوز در بالکان غربی نتیجه‌بخش است (Minić, 2015: 22).

۲.۸ کاهش تمرکز بر بالکان غربی در سطح نهادی

اگرچه تصمیم بر این بود که در اجلاس اتحادیه اروپا و بالکان غربی در سال ۲۰۰۳ در تسالونیک^۱، بالاترین سطح از گفتگو صورت بگیرد، لیکن خیلی زود متوقف شد. پی‌ریزی قالب WB6^۲ (شش کشور بالکان غربی)، راه‌اندازی «روند برلین» (اجلاس شش کشور بالکان غربی در برلین، آگوست سال ۲۰۱۴) را تسهیل کرد که نمونه‌ای کامل از اجلاس تسالونیک نیست، اما حاوی کنفرانس‌های کاری سطح بالا و گردهمایی‌های کشورهای منطقه با علاقه‌مندترین کشورهای عضو اتحادیه اروپا (آلمان، اتریش فرانسه و از ۲۰۱۵، ایتالیا) می‌باشد. اولین اجلاس، با محوریت اتصال به خود منطقه و همچنین اتحادیه اروپا با محوریت سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی برگزار گردید. اجلاس دوم که در آگوست ۲۰۱۵ در وین برگزار شد، سرفصل‌هایی از جمله مسائل حل‌نشده دوجانبه، پیوندهای قوی‌تر میان جوانان منطقه و همکاری با سازمان‌های جامعه مدنی را مطرح نمود. بدین ترتیب، پویایی بیشتری فراهم شد و اظهارات رئیس کمیسیون اروپا، ژان کلود یونکر، مبنی بر این که هیچ‌گونه گسترش دیگری تا پایان کار کمیسیون حاضر در ۲۰۲۰ صورت نخواهد گرفت، شرایط را حداقل تا حدودی ملایم‌تر کرده است. بنابراین، برخی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا، رویه معمول خود در مذاکرات گسترش را نرم‌تر کرده‌اند، با این تفاوت که شرایطی که توسط کشورهای کاندیدای ذریب رعایت می‌شود، سخت‌تر و چندین برابر خواهد شد. ترکیب «اداره کل مذاکرات همسایگی و گسترش» (DG NEAR)، نشان می‌دهد که بالکان غربی صرفاً یکی از دو موضوع در مورد گسترش بیشتر اتحادیه اروپا است و نه مشغله ذهنی انحصاری آن، همانند دوره‌های قبلی گسترش.

همچنین، موضوعات مذاکره و آمادگی‌های پیش از الحاق، تا حدودی، و در پاره‌ای موارد به میزان قابل ملاحظه‌ای، از سطح یک کشور منفرد اتحادیه اروپا، به سازمان‌ها و ساختارهای منطقه‌ای منتقل شدند، مانند «انجمن انرژی جنوب شرقی اروپا»^۳، «توافق‌نامه تجارت آزاد اروپای مرکزی»^۴

¹ Thessaloniki

² Six Western Balkan states (WB6)

³ Energy Community of Southeast Europe

⁴ Central European Free Trade Agreement - CEFTA

(CEFTA 2006)، «دیده بان ناظر بر حمل و نقل جنوب شرقی اروپا»^۱ (SEETO)، «کالج منطقه‌ای مدیریت عمومی»^۲ (ReSPA) و امثال آن. کشورهای بالکان غربی چه اقدامی می‌توانند انجام دهند تا تغییرات فوق، یا حداقل بخشی از آن را به نفع خودشان بازگردانند؟ اولاً، آن‌ها باید خود را بهتر سازماندهی کرده و از امکانات نهادی موجود، از جمله فرصت عضویت کشورهای کاندیدها در برخی از نهادها، ارگان‌ها و آژانس‌های اتحادیه اروپا استفاده نمایند تا نیازها و منافع خود را به متقاعدکننده‌ترین شکل ممکن ارائه دهند. این واقعیت که مقدونیه و صربستان به اجلاس‌های اروپایی در مورد بحران پناهجویان دعوت شده‌اند، نشان می‌دهد که مواردی وجود دارد که کشورهای کاندیدها را ملزم به عضویت در تیم مشترک برای حل مشکلات اروپا می‌نماید (Minić, 2015: 23).

۳.۸ تصویر منفی بالکان غربی و کاهش پشتیبانی کشورهای عضو از گسترش بیشتر

حمایت کشورهای عضو از گسترش بیشتر اتحادیه به بالکان غربی رو به کاهش بوده است. با این حال، دیدگاه مردم و سیاستمداران در این مورد متفاوت است. در نتیجه، در همسایگی نزدیک منطقه (اتریش، ایتالیا، مجارستان)، سیاستمداران به وضوح همسایگان بالکانی خود را حمایت و تشویق می‌کنند، در حالی که مردم به همان اندازه از آن حمایت نمی‌کنند. ویژگی‌های منطقه، در ارتباط با میراث جنگ، کشورهای ضعیف و بی‌ثبات، تنش‌های قومی و روند آرام تغییر وضعیت، موجب بروز مخالفت و بدبینی درباره توانایی‌های کشورهای منطقه برای بهبود زندگی در اتحاد اروپا می‌باشد. وجهه نامطلوب بالکان غربی، با موضوعات متعدد علنی و مناقشات دوجانبه میان کشورهای بالکان غربی و همچنین با همسایگان آن‌ها در اتحادیه اروپا، هجوم پناهجویان دروغین از منطقه در پی آزادسازی رژیم روادید و اطلاعات ناکافی و پراکنده درباره منطقه، که از اساس به بحران‌ها و تنش‌های داخلی یا دوجانبه مربوط می‌باشد، ترکیب شده است. کشورهای بالکان غربی باید هم به صورت انفرادی و هم به صورت جمعی، تلاش‌های گسترده‌ای به عمل آورند تا حجم و کیفیت اطلاعات مثبت درباره واقعیت‌های زندگی حقیقی، روندها و نتایج موفقیت‌آمیز حاصله در منطقه، مزیت‌های رقابتی بالقوه و ارزش‌هایی که می‌توانند با الحاق به اتحادیه اروپا همراه بیاورند، بهبود بخشند (Minić, 2015: 23-24).

¹ Southeast Europe Transport Observatory (SEETO)

² Regional School of Public Administration (ReSPA)

۴.۸ ملی شدن سیاست گسترش اتحادیه اروپا

یک تحلیل قابل تأمل توسط مرکز سیاست‌گذاری اروپا^۱، که ۱۷ کشور عضو اتحادیه اروپا را تحت پوشش قرار می‌دهد، تأکید می‌کند که، نظراتی که موجب برانگیخته شدن تصمیمات سیاسی کلیدی می‌شوند، به طور فزاینده‌ای از پارلمان‌های ملی نشأت می‌گیرند تا از کمیسیون اروپا؛ که این امر، نشان‌دهنده رشد روز افزون ملی شدن سیاست گسترش می‌باشد (European Policy Centre, July 2015: 1). این موضوع، نتیجه مشکلات اقتصادی و سیاسی است که اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن را تحت فشار قرار داده و علیه گسترش آن کار می‌کنند. ظهور احزاب سیاسی جدید و تمایلات عمومی به انتخابات در اروپا، بر ضد گسترش اتحادیه اروپا عمل می‌نماید. مناقشات دوجانبه میان کشورهای منفرد عضو اتحادیه و کشورهای بالکان غربی، که آرزوی عضویت در اتحادیه اروپا را دارند، منجر به انسداد روند الحاق شده‌اند و همچنین موجب تقویت چنین وضعیت‌هایی می‌شوند. بنابراین، روند گسترش به مراتب غیرقابل پیش‌بینی شده و بیش از آنکه به پیشرفت در منطقه وابسته باشد، به سیاست در کشورهای عضو اتحادیه اروپا وابسته است (Minić, 2015: 24).

۵.۸ کاهش حمایت از الحاق اروپایی در برخی کشورهای بالکان غربی

کشورهای بالکان غربی فاقد سیستم مناسبی برای انتقال اطلاعات مربوط به همگرایی اروپایی و اصلاحات پیرو آن به پارلمان‌ها، حلقه‌های آکادمیک و تجاری، جوامع حرفه‌ای و مردم عادی هستند. هماهنگی ناکافی در میان نهادهای کشوری در اطلاع‌رسانی به احزابی که بیشترین انتفاع را از این روند می‌برند و همچنین به عموم مردم، از همه سو به این مسئله کمک می‌کند (Communication Strategy, 2011:10). وضعیت تا حدی در حال تغییر است و هدایت کمک‌های مالی بلاعوض از سطح یک کمک فنی به پروژه‌های خاص، شفاف‌تر شده است. مشارکت فزاینده محافل حرفه‌ای و دانشگاهی و گروه‌های هدف خاص، در برنامه‌ها و آژانس‌های اتحادیه اروپا که برای کشورهای منطقه باز هستند، به این موضوع کمک می‌کند. هم در دولت و هم در سطح محلی، به ویژه در مناطق مرزی، جایی که جوامع محلی به طور فزاینده‌ای پروژه‌های همکاری فرامرزی را آغاز و شرکت

¹ European Policy Centre (EPC)

می‌کنند، وضعیت تا حدودی بهتر است. با این حال، به طور کلی، کمیت و کیفیت اطلاعات هر دو کافی نیستند (Communication Strategy, 2011:12).

«خستگی الحاق»^۱ تا حد زیادی نتیجه کار سیاست‌مداران و کارشناسانی است که موضوع الحاق را در رسانه‌ها به گونه‌ای ارائه می‌دهند که قادر نیست اثرات واقعی که روی زندگی مردم خواهد داشت را به نمایش گذارد. کار چندانی صورت نگرفته است که نشان دهد چه دستاوردی تا کنون کسب شده، اصلاحات چه اثرات مثبتی داشته و چه حجم کمکی دریافت شده، و وابستگی فعلی به اتحادیه اروپا از لحاظ تجارت، سرمایه‌گذاری و تکنولوژی در مقایسه با سایر شرکای بین‌المللی چگونه بوده است. با این حال، به دلیل سرعت پایین روند همگرایی و شرایط پیچیده و چالش‌برانگیز فزاینده، باعث می‌شود عضویت در اتحادیه اروپا هرچه بیشتر به عنوان یک هدف متحرک به نظر برسد. سرازیر شدن سیلاب گزارش‌های رسانه‌ای در خصوص مشکلات موجود در خود اتحادیه اروپا، که طیفی از بحران‌های اقتصادی و پیامدهای سیاسی و اجتماعی آن، تا مشکلات پیش روی مدیریت اقتصادی در جنبه‌های اصلی همگرایی، مشکلات برگزیت^۲ و گرکزیت^۳، و نحوه مدیریت پناه‌جویان را دربر می‌گیرد را باید به موارد فوق اضافه کرد. اطلاعاتی از این دست، به افزایش محبوبیت اتحادیه اروپا کمک نمی‌کند، بلکه برعکس، موجب افزایش بدبینی مردم نسبت به آینده اتحادیه و چشم‌انداز گسترش آتی آن می‌گردد. بنابراین، جای تعجب نیست که حمایت از عضویت در اتحادیه اروپا در برخی کشورهای منطقه، به ویژه صربستان، روند نزولی را ثبت نماید. بسیار مهم است که کشورهای بالکان غربی ارتباطات با مردم را به روشی قابل درک و قابل قبول ارتقاء دهند و درک منفی اتحادیه را با کمک هیئت‌های اتحادیه اروپا در منطقه و نهادهای بروکسل برطرف نمایند (Balkan Barometer, 2015: 45).

۶.۸ پیشروی محدود در اجرای قوانین اتحادیه اروپا و توسعه ناکافی

پس از پایان مذاکرات الحاق کرواسی و عضویت آن کشور در اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۳، ساختار و چارچوب زمانی برای شروع فصول مذاکرات، برای سایر کشورهای باقی مانده بالکان غربی، تغییر کرد. فصول ۲۳ و ۲۴ که حاکمیت قانون را تشریح می‌کند، و در دوره‌های قبلی در انتهای

¹ Accession fatigue

² Brexit

³ Grexit (Greek withdrawal from the Eurozone)

مذاكرات گشايش يافته بود، در مرحله مركزي قرار داده شد. اين رويه در سال ۲۰۱۲ و هنگام آغاز مذاكرات پيش از الحاق با مونته‌نگرو آغاز شد، درحالي كه حاكميت اقتصادي و اصلاح مديريت عمومي، به ترتيب در سال‌هاي ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ به عنوان اولويت‌هاي مذاكره مطرح شدند. اين امر، نشانه رويكرد جديد مذاكراتي اتحاديه اروپا بود كه بلافاصله روند مذاكرات را به سمت موضوعات اصلي (يعني اصول اوليه) سوق داد. اين تغييرات با روند آهسته كشورهاي منطقه، در بخش‌هاي كه براي آماده‌سازي اعضاي آتي، براي پذيرفته شدن در اتحاديه اروپا و برآورده نمودن معيارهاي كپنهاگ حياتي بود، توجه شده بود. بالكان غربی دارای چنین ویژگی‌هایی است: عدم تعادل شديد، قابليت رقابت بسيار كم، نرخ بالاي بيكاري و رشدی كه قادر به ايجاد مشاغل جديد نيست؛ تغييرات ساختاري نامطلوب، بر اساس گسترش بخش خدمات به بهاي توسعه صنعتي (صنعتي‌سازي)^۱ و ساختار سرمايه‌گذاري مستقيم خارجي، به گونه ای است كه اين تغيير در جهت‌گيري را ديكنه مي‌كند. وقوع بحران مالي جهاني، و به دنبال آن بحران اقتصادي جهاني كه كمی پس از آن رخ داد، موجب شدند اقتصاد لنگان منطقه و روند آهسته آن، در هم‌سطح شدن با ميانگين سطح متوسط توسعه در كشورهاي عضو اتحاديه اروپا كمك نمايد.^۲ ثابت شد كه وابستگي شديد به بازار و سرمايه‌گذاري اتحاديه اروپا در زمان بحران، يك عامل منفي است، زيرا به واسطه سطح بالاي همگرابي اقتصادي، در حجم زياد به منطقه سرازير گرديد. كشورهاي بالكان غربی به يكديگر وابسته هستند و بنا بر اين، بايستي از پتانسيل همكاري منطقه‌اي نهايت استفاده را به عمل آورند تا بتوانند پيشرفت اقتصادي و اجتماعي خود و روند همگرابي اروپايي را سرعت بخشند. مراكز تجاري در حال حاضر به طور قابل توجهی از اين پتانسيل استفاده مي‌نمايند (Minić, 2015: 26).

نتيجه‌گيري

هنگامي كه صربستان در نوامبر سال ۲۰۰۰ ميلادي به «روند ثبات و همكاري» (SAA) ملحق شد، اين اصل اوليه آن را پذيرفت كه مسير الحاق به اتحاديه اروپا، به پيشرفت كشور در برآورده ساختن معيارهاي تعيين شده در كپنهاگ و اجرائي پيمان ثبات و همكاري، با تاكيد خاص بر اهميت همكاري منطقه‌اي و حُسن‌همجواري در بين كشورهاي بالكان غربی، بستگي دارد. بنا بر اين، تاكيد

^۱ Deindustrialisation

^۲ توليد ناخالص داخلي سرانه كشورهاي بالكان غربی به طور متوسط حدود ۳۵٪ از متوسط درآمد اتحاديه اروپا است.

اصلی در این روند، بر روی پیمان ثبات و همکاری گذاشته شده بود. با انعقاد این پیمان، صربستان پذیرفت که به تدریج قوانین خود را با قوانین اتحادیه اروپا همراه و هم‌تراز نماید. نکته قابل تأمل آن است که مذاکرات الحاق به اتحادیه اروپا، کاملاً با مذاکرات استاندارد در صحنه بین‌المللی تفاوت دارد. برای تبدیل شدن به یک عضو اتحادیه اروپا، یک کشور باید میراث اجتماعی، یعنی قوانین اولیه و ثانویه اتحادیه اروپا، را بپذیرد (Mišćević, 2015: 15-16).

در خلال مذاکرات عضویت در اتحادیه اروپا، یک کشور نامزد نمی‌تواند از پذیرش هیچ‌یک از استانداردهای اصلی قوانین اتحادیه اروپا امتناع ورزد، اما با ارائه استدلال‌های مناسب می‌تواند شروع اجرای آن را به تعویق بیاورد. هدف آن است که اطمینان حاصل شود که صربستان کاملاً آماده پذیرش تعهدات ناشی از عضویت در اتحادیه اروپا است تا بتواند در آغاز دوره بعدی بودجه اتحادیه، به یک کشور عضو اتحادیه اروپا تبدیل شود. علاوه بر تمرکزی که بر روی حاکمیت قانون به عنوان رکن اصلی گذاشته می‌شود، اسناد کمیسیون اروپا مربوط به استراتژی گسترش، موضوعات خاص دیگری را تقویت نموده است. در نتیجه، به موضوعات اقتصادی و نیاز به شروع اصلاحات در دولت در مراحل اولیه مذاکرات، اولویت داده شده است (Mišćević, 2015: 16). بدین ترتیب، حاکمیت اقتصادی، سازوکار نظارتی خود را در قالب برنامه اصلاحات اقتصادی (ERP)^۱ به دست آورد، که طی آن یک کشور باید هر ساله آن را به عنوان یک عنصر مالی، از جمله برنامه‌ریزی بودجه و همچنین برنامه‌های توسعه استراتژیک، آماده نماید. در حقیقت، این امر یادآور تعهداتی است که کشورهای عضو اتحادیه پولی و اقتصادی در نظر گرفته‌اند. منطق پشت این سند آن است که یک کشور از نظر اقتصادی نیز باید آمادگی عضویت را داشته باشد، نه این که فقط بتواند با قوانین اتحادیه اروپا همراهی نماید. از سوی دیگر، موظف است اصلاحات عمومی اداری ایجاد نماید تا یک دستگاه اداری، نه تنها توانایی انجام مذاکرات را داشته باشد، بلکه همچنین ثابت کند که توانایی اجرای همه موارد توافق شده را دارد. علاوه بر این، چنین دستگاه اداری، در سطح کشوری و همچنین در سطح منطقه‌ای و محلی، باید آمادگی داشته باشد تا پس از تبدیل شدن به یک کشور عضو اتحادیه، تمامی شرایط را برآورده سازد، یعنی زمانی که تمامی سیاست‌های اتحادیه اروپا به بخشی از سیاست‌های ملی تبدیل می‌شود.

از زمان فروپاشی یوگسلاوی سابق، رشد اقتصادی پائین، مشکل ساختاری اصلی صربستان بوده

¹ Economic Reform Programme (ERP)

است. می‌توان گفت، جمهوری صربستان به عنوان مهم‌ترین میراث‌دار بحران‌ها و ساختارهای ضعیف اقتصادی به جای مانده پس از فروپاشی یوگسلاوی سابق، پس از الحاق به روند ثبات و همکاری و پذیرش اصول حاکم بر آن، طی دو دهه گذشته، در مسیر اصلاح ساختاری اقتصادی گام‌های بسیار مثبتی برداشته است. تحلیل تجربی بر روی نمونه‌هایی از کشورهای بیست‌وهفت‌گانه اتحادیه اروپا، نشان‌دهنده آن است که علاوه بر عامل همگرایی، عواملی همچون فساد و حاکمیت قانون، سطح سرمایه‌گذاری و دستاوردهای آموزشی، نقش مهمی در رشد اقتصادی کشورهای تحت بررسی ایفاء می‌نمایند.

بررسی این شاخص‌ها، نمایان‌گر آن است که علاوه بر شاخص‌های اقتصادی، عناصر و مؤلفه‌های داخلی و خارجی دیگر همچون، تصویر منفی بالکان غربی و کاهش پشتیبانی کشورهای عضو اتحادیه اروپا از گسترش و توسعه بیشتر، کاهش تمرکز بر بالکان غربی در سطح نهادی و به حاشیه رفتن آن، تغییر در محتوای گسترش اتحادیه اروپا و به حاشیه رفتن روند گسترش در دستورکار اتحادیه اروپا، عوامل بسیار مهم و تاثیرگذاری در اتخاذ رویکرد اقتصادی از سوی این کشور و تثبیت یک رویکرد رفتاری غالب و تکرارپذیر در سیاست خارجی صربستان هستند. با سنجش چنین عناصر و مؤلفه‌هایی، می‌توان نتیجه گرفت، صربستان در سالیان اخیر در حوزه اقتصادی دارای نشیب و فرازهای فراوانی بوده است. برخی شاخص‌های اقتصادی همانند سطح سرمایه‌گذاری خارجی، افزایش چشمگیر و قابل توجهی را نشان می‌دهد. در برخی شاخص‌های موثر بر وضعیت اقتصادی و متعاقب آن، تاثیرگذار بر روند مذاکرات و پروسه الحاق اتحادیه اروپا، بر مبنای معیارها و استانداردهای مصوب در فصول مذاکراتی پیش از الحاق به اتحادیه اروپا، که اصلاح و پیشرفت در آن‌ها از منظر اتحادیه اروپا ضروری تلقی می‌گردد، وضعیت مطلوب و قابل قبولی را کسب نمی‌نماید.

اگر چه در بررسی و واکاوی هر یک از شاخص‌های مورد اشاره در مقایسه با کشورهای اتحادیه اروپا، صربستان به صورت قابل توجهی در وضعیت ضعیف‌تری نسبت به این کشورها قرار دارد، اما مجموع عوامل، رویکردها و آهنگ رشد بسیاری از شاخص‌ها در مقایسه با گذشته خود صربستان از زمان فروپاشی یوگسلاوی سابق تاکنون، نمایان‌گر اقدامات و حرکت در مسیر اصلاح ساختارها و نزدیک‌تر شدن به شاخص‌ها و استانداردهای تعریف شده در فصول مذاکراتی از سوی اتحادیه اروپا بوده است. بنابراین، در راستای هدف غایی و راهبردی این کشور در الحاق به اتحادیه اروپا و همگرایی اروپایی، روند مثبت و رو به رشدی طی شده است.

در مجموع، در یک تجزیه و تحلیل منطقی استقرائی و دقت‌نظر در رابطه علی و معلولی عناصر

و مؤلفه‌های تاثیرگذار بر پروسه همگرایی اروپایی صربستان می‌توان گفت، صربستان طی سالیان اخیر، با اتخاذ الگوی «توسعه ساختاری اقتصادی مبتنی بر تعامل حداکثری» مبتنی بر «رشد ثبات و همکاری» (SAA)، علاوه بر تقویت ساختارها و بنیان‌های اقتصادی، در جهت تطبیق و هماهنگ‌سازی خود با استانداردهای اقتصادی تعریف شده از سوی اتحادیه اروپا حرکت نموده است. فصول مذاکراتی پیش از الحاق، و روند طی شده در گشایش و بسته شدن هر یک از فصول مورد اشاره، و نیز تأیید اتحادیه اروپا در هر مرحله از مذاکرات، مؤید این مطلب می‌باشد. اتخاذ چنین الگوی رفتاری در سیاست خارجی صربستان، موجب حرکت در مسیر اصلاح زیرساخت‌های اقتصادی و انطباق بیشتر با استانداردهای تعریف شده از سوی اتحادیه اروپا جهت الحاق به این اتحادیه گردیده است.

کتابنامه

- ارتباط کمیسیون با پارلمان اروپا و شورا
 استراتژی ارتباطات برای الحاق صربستان به اتحادیه اروپا، دولت جمهوری صربستان (۲۰۱۱)
 استراتژی امنیت ملی، مجلس ملی جمهوری صربستان (۲۰۰۹)
 استراتژی دفاعی، مجلس ملی جمهوری صربستان (۲۰۰۹)
 استراتژی صربستان برای پیوستن صربستان و مونته‌نگرو به اتحادیه اروپا، دفتر همگرایی اروپایی دولت
 جمهوری صربستان (۲۰۰۵)
 اعلامیه تسالونیک، اتحادیه اروپا - اجلاس بالکان غربی، ۲۰۰۳
 آقا محمدی، ابراهیم (۱۳۹۵). امکان‌سنجی بکارگیری نظریه‌های همگرایی در تحلیل بحران اروپا: فصلنامه
 علمی مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۹، شماره ۳۵.
 امیدی، علی (۱۳۸۸). منطقه‌گرایی در آسیا: نگاهی به سازمان‌های آ.سه.آن، سارک و اکو. تهران: انتشارات
 وزارت امور خارجه.
 امیدی، علی و اصلانی اسلمرز، عابد (۱۳۸۸). درس‌های همگرایی اتحادیه اروپا برای اکو: دوفصلنامه برنامه
 و بودجه، شماره ۱۰۹.
 بزرگمهری، مجید (۱۳۸۵). نظریه‌پردازی در همگرایی اروپایی، گذر از نظریات فراگیر به نظریات بخشی:
 مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۳.
 بیانیه مشترک گفتگوی سیاسی بین اتحادیه اروپا و صربستان و مونته‌نگرو، شورای اروپا، ۲۰۰۳
 پاسخ به پرسش‌نامه کمیسیون اروپا، جمهوری صربستان، ۲۰۱۱
 توافق‌نامه ثبات و همکاری بین صربستان و اتحادیه اروپا، ۲۰۰۸
 جلسات کمیته همگرایی اروپایی در سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۸ - صورتجلسه؛ تمام جلسات (مجموعاً ۵۳
 جلسه) کمیته همگرایی اروپایی از ۱۵ جولای ۲۰۰۸ تا ۲۷ فوریه ۲۰۱۲.
 دویچ، کارل، کیوهین، رابرت و نای، جوزف (۱۳۷۵). نظریه‌های روابط بین‌الملل، ترجمه وحید بزرگی،
 تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
 قانون اساسی جمهوری صربستان (۲۰۰۶)

قانون امور خارجی (۲۰۰۹)

قانون دولت (تغییر یافته و اصلاح شده در سال ۲۰۱۱)

قانون مجلس ملی (۲۰۱۰)

کتاب سفید دفاع جمهوری صربستان، وزارت دفاع - بخش برنامه‌ریزی استراتژیک (۲۰۱۰)

کتاب قوانین مجلس ملی.

کلیه اعلامیه‌ها، نظرات و مواضع مشترک اتحادیه اروپا در سازمان امنیت و همکاری اروپا، که جمهوری

صربستان برای سال‌های ۲۰۰۸، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ با آن‌ها همسو نبود.

کلیه اعلامیه‌ها، نظرات و مواضع مشترک شورای اروپا در ۲۰۰۸، ۲۰۰۹، ۲۰۱۰، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ (تا اگوست)

کلیه جلسات (مجموعاً ۲۳ جلسه) کمیته امور خارجی از تاریخ ۹ اکتبر ۲۰۰۸ تا ۹ فوریه ۲۰۱۲.

نظر کمیسیون درباره درخواست صربستان برای عضویت در اتحادیه اروپا اتحادیه، ۲۰۱۱.

Balkan Barometer 2015, Regional Cooperation Council, Sarajevo 2015, p. 45.

Commission of the European Communities (2011) 'Communication from the Commission to the European Parliament and the Council: Commission opinion on Serbia's application for membership of the European Union', COM (2011) 668 final, Brussels, 12.10.2011.

Commission of the European Communities (2012) 'Final EU pre-accession funding to help Croatia become a successful EU Member State', IP/12/1372, Brussels, 14.12/2012.

Commission of the European Communities (2012) 'Final EU pre-accession funding to help Croatia become successful EU Member State', IP/12/1372, Brussels 14.12/2012.

Commission of the European Communities (2013) 'Joint Report to the European Parliament and the Council on Serbia's progress in achieving the necessary degree of compliance with the membership criteria and notably the key priority of taking steps towards a visible and sustainable improvement of relations with Kosovo', JOIN (2013) 7 final, Brussels, 22.4.2013.

Commission of the European Communities (2013) 'Joint Report to the European Parliament and the Council on Serbia's progress in achieving the necessary degree of compliance with the membership criteria and notably the key priority of taking steps towards a visible and sustainable improvement of relations with Kosovo', JOIN (2013) 7 final, Brussels, 22.4.2013.

Communication Strategy for the Accession of the Republic of Serbia to the European Union.

- Communication Strategy for the Accession of the Republic of Serbia to the European Union, European Integration Office of the Republic of Serbia, Belgrade, 2011, p.10.
- http://www.seio.gov.rs/upload/documents/nacionalna_dokumenta/strategija_komunikacije_2011.pdf
- Communication Strategy for the Accession of the Republic of Serbia to the European Union.
- Constitutional Charter 2002; Aliu, L., 'L'Union de Serbie-Monténégro vue de Pristina: une "Agression Constitutionnelle"' in *Koha Ditore*, 6 February 2003.
- Constitutional Charter of the State Union of Serbia and Montenegro, 14 March 2002, preamble.
- Fiscal Council (2017). *Local Public Finance: Issues, Risks and Recommendations*, June 2017
- Hass, Ernst (1968), *the Uniting of Europe*, Stanford: Stanford Up.
- Manners, Ian (2002), *Normative Power Europe: A Contradiction in Terms?* In: *JCMS*, Vol.40, n°2, P. 242.
- Minić, J., "A CHANGE IN THE CONTEXT OF EU ENLARGEMENT: WHAT IS TO BE DONE?" Belgrade, 2015.
- Minić, Jelica, "April 2016 – Media Image of the Western Balkans", in *Western Balkans between Geography and Geopolitics*, ed. Simurdić, Milan, *Foreign Policy Papers No.1*, 2016, *European Movement in Serbia Forum for International Relations*, Belgrade, 2016, pp. 17-27.
- Miščević, Tanja. *CONTEMPORARY RELATIONS BETWEEN SERBIA AND THE EUROPEAN UNION*. Belgrade, 2015.
- Praet, Peter (2012), *European Financial Integration in Times of Crisis*. ICMA Conference. Milan.
- P. Petrović, D. Brčerević, M. Gligorić, *WHY IS SERBIA AN ECONOMIC GROWTH UNDERACHIEVER?* January 9, 2019.
- Stratulat, Corina, *EU enlargement to the Balkans: shaken, not stirred*, EPC Policy Brief, 4th November 2013.
- Wolff, E. (2013). *Productivity Convergence: Theory and Evidence* (Cambridge Surveys of Economic Literature). Cambridge: Cambridge University Press.
- www.seio.gov.rs
- <http://www.emins.org>
- www.europa.rs
- <https://www.diplomacy.bg.ac.rs/en/>
- <http://www.ies.rs/en/home/>
- <https://www.danas.rs/>
- <https://www.vreme.com/>
- <http://www.tanjug.rs/>

<https://europeanwesternbalkans.com/>
<http://www.parlament.gov.rs/активности/европске-интеграције/документа.279.html>
http://ec.europa.eu/economy_finance/economic_governance/the_european_semester/index_en.htm